

مقدمه :

با سلام،

دانشجوی عزیز از اینکه شرکت آموزش و پژوهش بیلگی سایار را برای یادگیری دوره کارآفرینی انتخاب کرده اید متشکریم. تیم علمی شرکت با کمک اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی این دوره آموزشی را تهیه و آن را تقدیم می نماید. این دوره در هفت گام به ترتیب زیر تهیه و خدمت شما ارائه می گردد:



۱- آمادگی و تصمیم راسخ برای ورود به دنیای کسب و کار

۲- کار آفرینی

۳- نوآوری و ایده یابی

۴- شناسایی و ارزیابی فرصتها

۵- طرح کسب و کار و تأمین منابع مالی مورد نیاز

۶- تاسیس و راه اندازی کسب و کار

۷- روش ارتقاء و پیشرفت در کار راه اندازی شده



جلسه اول : تصمیم راسخ در ورود به دنیای کسب و کار



در کشورهای توسعه یافته نیازی نیست که همه از راه تحصیلات دانشگاهی موفق شوند چون از راه‌های دیگر هم می‌توانند به موفقیت برسند.

انسان در طول زندگی خود مراحل مختلفی را سپری می‌کند و به مرور زمان از مرحله ای به مرحله دیگر منتقل می‌شود به عنوان مثال از مرحله نوزادی به کودکی و سپس به نوجوانی و جوانی می‌رسد. این روش یکی از روش‌های تقسیم بندی زندگی است که براساس زمان و سیر حیات صورت می‌گیرد. روش دیگری که زندگی را براساس آن تقسیم بندی می‌کنند، روش وظیفه ای است، یعنی زندگی انسان برحسب نوع وظایف به دوران‌های مختلفی تقسیم بندی می‌شود. مثلاً در یک دوران از زندگی، بیشترین و مهمترین وظیفه انسان تحصیل است که آن را زندگی تحصیلی می‌نامند و دوران دیگر که «زندگی شغلی» نام دارد دورانی است که فرد مهمترین و بیشترین وظیفه اش را در رابطه با انتخاب شغل و پیشرفت در آن، تحقق می‌یابد.

شروع زندگی شغلی افراد به شرایط فردی، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع، بستگی دارد. بعضی از افراد در بسیاری از کشورهای زندگی شغلی خود را از سنین کودکی یا نوجوانی آغاز می‌کنند و عده ای زندگی شغلی خود را همزمان با تحصیلات دانشگاهی یا پس از اتمام آن آغاز می‌کنند. به هر حال هر انسانی به منظور تأمین معاش یا بروز استعدادهای خود یا هر دلیل دیگری مثل ایجاد روابط اجتماعی و یا به منظور تحقق عزت نفس و



احترام به خود دیر یا زود وارد زندگی شغلی می‌شود. این دوره از زندگی، سایر شئون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما آنچه اهمیت دارد این است که اغلب افراد از شغل خود را ضعیف می‌بینند و زندگی شغلی خود را که قسمت اعظم زندگی آنها است. همواره با ناراحتی، اضطراب، سردرگمی و ناامنی می‌گذرانند. آمارها نشان می‌دهد که به طور متوسط مردم ۵ بار شغلشان را در طول عمر تغییر می‌دهند.

یکی از مهمترین دلایل نارضایتی از شغل این است که اغلب افراد هنگام آغاز زندگی شغلی، آگاهانه و براساس معیارهای صحیح، واقعی و واضح (استعدادها، مهارت‌ها و علایق) برای خود برنامه ریزی نمی‌کنند و با توجه به نیازهای بازار کار، قراردادهای اجتماعی و ارزش‌های گروه‌های مرجع و حرف مردم، رشته تحصیلی و شغل خود را انتخاب می‌کنند، به عبارت دیگر، مردم کار را برای آنها تعریف و انتخاب کرده اند نه خودشان. بنابراین در زندگی ای قدم می‌گذارند که مجبورند یک عمر بدبختی بکشند و در انتظار دیگران تظاهر کنند که خوشبختند!!

اما برای این که شغل مناسبی را برای خود انتخاب کنیم و زندگی شغلی مطلوبی را پایه ریزی نماییم ابتدا باید بدانیم چند نوع زندگی شغلی وجود دارد و سپس ببینیم کدامیک با اهداف، ایده‌ها، روحیات، گرایش‌ها، توانایی‌ها، علایق و مهارت‌های ما سازگار است.